

خبر

آخرین جزئیات پرونده مفقودشدن کودک ۳ساله در پارک شهر

ایلنا: رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره پرونده مفقودی کودک سه‌سال‌ونیمه در پارک شهر توضیحاتی را ارائه داد.

سردار علی ولیپور گودرزی درباره تأثیر حاشیه‌نشینی بر وقوع جرم گفت: حاشیه‌نشینی متأسفانه باعث می‌شود که مجرمان به‌ویژه سارقان با توجه به اینکه قیمت در این مناطق پایین‌تر است و همچنین دسترسی راحت‌تر به راه‌های خروجی شهر، منزلی را به‌صورت ماهانه یا هفتگی اجاره کنند و اقدامات مجرمانه خود را انجام دهند و بعد هم از این مناطق به جای دیگر بروند.

سردار ولیپور گودرزی تصریح کرد: همچنین تلاش همکاران من این است که اموال مسروقه در کوتاه‌ترین زمان کشف و به مردم عودت داده شود و رضایتمندی مردم از این طریق حاصل شود. توفیقات خوبی هم به لطف خدا حاصل شده است. اجرای طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر و نگهداری آنها یکی از این طرح‌هایی است که از اقدامات پیشگیرانه ما در سرقت است، تعداد زیادی از سرقت‌ها از سوی همین معتادان متجاهر انجام می‌شد، اما الان افراد از سوی پلیس نگهداری می‌شوند و برای آنها کار ایجاد شده است و بعد از اینکه درمان شدند و حرفه‌ای آموختند، این افراد به جامعه بازمی‌گردند. او در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: البته همه سرقت‌ها برای ما اهمیت دارد اما سرقت‌های خشن در اولویت اصلی هستند؛ چراکه سرقت‌هایی که به‌صورت خشن هستند، هر لحظه ممکن است به مردم آسیب وارد کنند. بنابراین ما تلاش می‌کنیم در کمترین زمان ممکن این افراد را شناسایی کنیم و در صحنه نیز با این افراد برخورد می‌کنیم. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ درباره آخرین بررسی‌ها درباره کودک سه‌ساله نیمه‌ای که در پارک شهر مفقود شده است، گفت: ما فیلمی دال بر اینکه این بچه دزدیده شده باشد، نداریم و درحال پیگیری هستیم و ان‌شاءالله هرچه سریع‌تر به نتیجه برسیم و به‌محض پیدایش این کودک حتما اطلاع‌رسانی خواهد شد.

یادداشت

دانشگاه بدون دانشگاهیان

فرهادصالحی‌پور

دانشگاه مانند نهادی مدرن در تاریخ معاصر ایران در یک وضعیت دوزیست به سر برده است، به گونه‌ای که همواره مانند ابزاری در راستای نوع خاصی از جامعه‌پذیری نگریسته شده و از سوی دیگر نوعی رسالت انتقادی و مردم‌مدارانه بر دوش داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت: دانشگاه میدان دار گفتمان‌های مختلفی بوده است. دانشگاه در معنای ارجح بخشی از بدنه جامعه مدنی و فضایی برای پاسخ به بحران‌های اجتماعی و صورت‌بندی مسائل عمومی و حل معضلات اجتماعی است. چنین رسالتی است که دانشگاه را به‌مثابه کانونی علمی اعتبار می‌بخشد. با این حال دانشگاه مانند موضوع مورد مطالعه‌اش (جامعه) در بحران بوده و از دانشگاهی فضیلت‌مند که فارغ از مداخلات نهادی به رسالت تاریخی فرهنگی خود بپردازد، فرسنگ‌ها دور است.

یکی از بحران‌هایی که دانشگاه با آن مواجه بوده و بیکر نحیف آن را تحفیت کرده، کنارگذاشتن استادان با دانش، توانا و فرهیخته بوده که علاوه بر نقض حقوق فردی، به استعمار درآوردن هرچه بیشتر فضای آکادمیک را به همراه داشته است. طردشدگی همواره دارای دلالت‌ها و روایت‌های معناداری است و این روایت تراژدی دانشگاه است.

این معضل گویی در میان گروه علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی بسیار بیشتر بوده و چه بسبار شریف استادانی که جامعه‌دانشگاهی را حضور آنان و ظرفیت‌های پربرشان محروم شده است. اقدام به بازنشته‌کردن دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی آقای دکتر سراج‌زاده که سال‌ها در کسوت مدیر انجمن جامعه‌شناسی ایران و هیئت علمی دانشگاه خوارزمی با اخلاق حرفه‌ای، دانش متعدده‌ان و نیک‌زبستی، مانند انسانی دانشگاهی (نه در معنای بوردیویی آن)، رسالت علمی-اخلاقی خود را انجام داده، شوک و زلانی عظیم بر جامعه علمی به‌ویژه دانشگاه خوارزمی و گروه جامعه‌شناسی وارد می‌کند.

دانشگاه نه سازمانی بوروکراتیک درگیر مناسک و کاغذبازی‌های اداری و نه یک سازمان اداری بی‌روح ایدئولوژیک، بلکه فضایی فضیلت‌مند است که معنای خود را از کنشگران این میدان (استادان، دانشجویان و…) می‌گیرد. تهی‌کردن دانشگاه از دانشگاهیان و معنادرایی از فضای آکادمیک و استعمار زیست‌جهان آن، ضمن رعایت‌نکردن حقوق شهروندی، به بحران ناامیدی عمومی دامن زده و بحران‌ها و شکاف‌های موجود را عمیق‌تر می‌کند.

در بحبوحه دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری و در روز ۱۳ تیرماه ۱۴۰۳، محمد مخبر، سرپرست ریاست‌جمهوری، لایحه «اصلاح برخی از احکام قانونی مربوط به تابعیت» را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی فرستاد. در روز ۱۷ تیرماه معاون پارلمانی ریاست‌جمهوری از این ارسال خبر داد و گفت: «تصویب قانون «نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» در سال ۱۴۰۱ درباره ممنوعیت اشتغال افرادی که خود، همسر یا فرزندان‌شان دارای تابعیت مضاعف هستند، ضوابط قانونی حاکم بر این افراد را تحت تأثیر قرار داده است که دولت با تهیه این لایحه، به‌دنبال ایجاد هماهنگی و

یکپارچگی تقنینی در این زمینه است». در مقدمه توجیهی این لایحه نیز از اصل وحدت تابعیت نام برده شده بود و اینکه هدف این لایحه، ازبین‌بردن زمینه‌های ایجاد دوتابعیتی و یکدست‌کردن قوانین تابعیت ایران است. اما متن لایحه نشان می‌دهد که اصلاحات انجام‌شده نتهتئا این اهداف را تأمین نمی‌کند، بلکه با محدودکردن دایره شمول تعریف ایرانیان در آینده احتمالا معضلات حقوق‌بشری، اجتماعی و حقوقی بیشتری را برای کشور ایران به همراه خواهد آورد.

پورش برای اصلاح قانون ۹۰ساله

قانون تابعیت ایران (مواد ۹۷۴ تا ۹۷۱ قانون مدنی ایران) مصوب سال ۱۳۱۳ مجلس شورای ملی است. این قانون گرته‌برداری‌شده از قانون تابعیت فرانسه در اواخر قرن ۱۹ میلادی است که با تغییراتی متناسب جامعه ایران شده بود. یکی از مسائلی که همواره در انتقاد به این قانون مطرح می‌شد، این بود که در آن سال‌ها مواجهه کشور ایران با مهاجرت‌های بین‌المللی به‌هیچ‌وجه به‌اندازه امروز ایران نبوده و درنتیجه مسائل جامعه مدرن ایران در آن در نظر گرفته نشده است. منتقدان این نظر را هم در زمینه مهاجرت‌های ایرانیان به خارج از کشور و هم در زمینه مهاجرت‌های اتباع غیرایرانی به ایران مطرح می‌کردند و اینکه این قانون جواب‌گوی نیازهای متعدد مهاجران ایرانی و غیرایرانی نیست. ضعف قوانین اقامتی ایران نیز به‌ویژه در زمینه مدیریت حضور مهاجران غیرایرانی، این انتقادها را بیشتر عیان می‌کرد. تبعیضی که قانون مصوب سال ۱۳۱۳ بین زنان و مردان ایرانی در انتقال تابعیت به فرزندان‌شان قائل شده بود و در نظر نگرفتن مفاهیمی مانند اقامت موقت و اقامت دائم برای اتباع غیرایرانی خواهان حضور در کشور ایران، در زمره این انتقادها بودند. در مقابل مدافعان این قانون همواره این نکته را مطرح می‌کردند که این قانون قابلیت تفسیر بالایی دارد و بسیاری از معضلات تابعیتی جامعه ایران با تفسیر درست و براساس همین قانون قابل حل‌وفصل است و نیازی به اصلاح بنیادین آن نیست. به‌عنوان مثال برای حل معضل بی‌شناسنامه‌های حاضر در ایران و کسانی که مدعی تابعیت ایرانی هستند اما مدرکی دال بر تابعیت ایران ندارند، بند ۱ ماده ۹۷۴ قانون مدنی بیان می‌کند که «همه ساکنان ایران به‌استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد، ایرانی‌اند. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد» یا درباره افرادی که تابعیت ایران را با تأیید هیئت وزیران به دست می‌آورند، در اشتغال به پست‌های دولتی و مدیریتی ایران طبق ماده ۹۸۲ به محدودیت‌های زیادی روبروه هستند و نگرانی‌های مربوط به دوتابعیتی‌بودن افراد را مرتفع می‌کند. مدافعان این قانون همواره در سال‌های اخیر از این انتقاد می‌کردند که این قانون به‌طور کامل اجرا نمی‌شود و به‌همین‌خاطر معضلات بسیاری در حوزه‌های تابعیت به وجود آمده.

لایحه جدید دولت چه اصلاحاتی دارد؟

لایحه ارسالی در ۱۳ تیرماه ۱۴۰۳، بندهایی از مواد قانون تابعیت را حذف و بندهایی را نیز جایگزین آن کرده است. طبق این لایحه بندهای ۴، ۱ و ۵ ماده ۹۷۴ قانون مدنی و مواد ۹۷۷، ۹۷۸ و ۹۸۶ حذف شده است. لایحه درباره انتقال تابعیت ایرانی از مرد ایرانی به همسر غیرایرانی‌اش یک شرط اقامت شش‌ماهه و تأیید نهادهای امنیتی را اضافه کرده است. این لایحه افراد مشمول دریافت تابعیت استثنایی ایرانی را نیز با صراحت و دقت بیشتری تعیین کرده است. علاوه‌براینها در دیگر مواد قانون تابعیت نیز دخل‌وتصرف‌های گسترده‌ای در دنبال کرده است.
به‌ترین‌رتیب شکل ظاهری قانون تابعیت ایران دچار تغییرات زیادی شده است. اگر بندهای قانون مصوب سال ۱۳۱۳ به‌صورتی بود که به ترتیب دایره شمول وسیع به دایره شمول محدود آورده شده بود، لایحه جدید دولت این ترتیب را به‌طور کامل به هم زده است. همان‌طور که گفته شد، بند ۱ قانون تابعیت همه افراد ساکن ایران را مشمول عنوان ایرانی‌بودن می‌داند، مگر اینکه دولت بتواند مدرکی دال بر تبعه کشوری دیگر بودن ارائه دهد. این بند که در ایرانی نامیدن افراد بسیار وسیع‌نکر ظاهر شده بود، در لایحه جدید دولت حذف شده است. به‌جای آن بندی آمده است که بیان می‌کند فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی می‌توانند مطابق قانون سال ۱۳۷۸ تابعیت ایران را کسب کنند. اینکه ماده‌واحده سال ۱۳۹۸ به قانون تابعیت ایران الحاق شده است، به خودی خود امر مثبتی است. اما اینکه شروع قانون تابعیت با این بند باشد که مشمولان آن جمعیت اصلی کشور ایران را تشکیل نمی‌دهند، اصلا جالب نیست. علاوه‌برآن

لایحه اصلاح برخی از احکام قانونی مربوط به تابعیت

محدودکردن دایره ایرانی‌بودن

بیمان حقیقت‌طلب



فرمانروایان قاجار در مجلس شورای ملی

موضوع تابعیت مسأله ایرانی‌ها بار دیگر در بند ۵ به‌گونه‌ای دیگر و با تأکید بر اصل خاک تکرار شده است. اینکه از شش بند قانون تابعیت یک کشور دو بندش درباره یک جمعیت محدود باشد، از منظر قانون‌نویسی پذیرفته نیست و بیانگر خام‌بودن نویسندگان این لایحه است. بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ نیز درباره ایرانی‌بودن نسل‌های دوم و سوم مهاجران به ایران بود که در لایحه جدید دولت به‌کل حذف شده است. عملا با حذف این دو بند، مهاجران غیرایرانی حاضر در ایران به‌هیچ‌وجه حتی اگر تا صد سال در ایران بمانند، بازهم اتباع بیگانه نامیده خواهند شد. هرچند بندهای چهار و پنج هم از سوی دولت‌ها اجرائی نمی‌شد و مهاجران نسل دومی و سومی از حق‌شان محروم می‌شدند. اما با حذف آنها این امکان به‌کل از بین می‌رود.

آثار جانبی این لایحه: شاید فراتر از انتظار

در مقدمه توجیهی لایحه هدف از نگارش آن از سوی معاونت حقوقی رئیس جمهور رفع معضل دوتابعیتی عنوان شده است. اما با حذف‌واضه‌هایی که رخ داده، دایره اثرات این لایحه شاید فراتر از انتظار باشد. به‌عنوان مثال این لایحه با حذف مواد ۴، ۱ و ۵ ماده ۹۷۶ و مواد ۹۷۷ و ۹۷۸ عملا باعث افزایش جمعیت‌های بی‌تابعیت در خاک ایران خواهد شد. همه بی‌شناسنامه‌های مدعی تابعیت ایرانی در استان‌های مرزی کشور با این لایحه به‌طور قطع دیگر امکان ایرانی‌شدن نخواهند داشت. بند ۴ درباره نسل سوم مهاجران ساکن در ایران است. مهاجرانی که نُه‌تنها خودشان بلکه پدر و مادرشان هم متولد و بزرگ‌شده ایران بودند، می‌توانستند طبق این بند ایرانی به شمار بروند. بند ۵ نیز ناظر بر نسل دوم مهاجران بود. کسانی که پدر و مادرشان غیرایرانی بودند، اما خودشان متولد ایران بودند و از ایران خارج نشده بودند، بعد از ۱۸ سال زندگی و تحصیل در ایران، ایرانی به شمار می‌رفتند. با حذف این دو بند این امکان از بین رفته است. از سویی دیگر ماده ۹۷۷ تأکید داشت که نسل دوم و سوم مهاجران اگر به تابعیت ایران درنمی‌آیند، حتما به تابعیت کشور پدری‌شان دربیایند تا پدیده بی‌تابعیتی رخ ندهد. اما با حذف ماده ۹۷۷ عملا دولت ایران هیچ مسئولیتی در قبال نسل دوم و سوم مهاجران نخواهد پذیرفت و چون این نسل‌های متولد ایران از کشور ما خارج نمی‌شوند، به‌شدت مستعد بی‌تابعیتی می‌شوند. ایجاد شرایطی که جمعیت‌های بی‌تابعیت در یک کشور رشد کنند، از منظر حقوق‌بشری تبعات ناگوری را در سال‌های آتی هم در داخل ایران و هم در مجامع بین‌المللی برای ما به‌همراه خواهد آورد؛ چراکه ایجاد جمعیت‌های بی‌تابعیت یکی از ناخوشودنی‌ترین ابعاد نقض حقوق بشر به شمار می‌رود.

آیا معضل دوتابعیتی شدن حل می‌شود؟

با خواندن متن لایحه متوجه می‌شویم که برخلاف ادعای اولیه، ایس لایحه عملا درباره دوتابعیتی‌شدن افراد نمی‌تواند چارمساز باشد. بند ۲ ماده ۹۷۴ قانون مدنی بیان می‌کند که هر فردی که پدرش ایرانی باشد، مستقل از اینکه در ایران یا خارج از ایران به دنیا بیاید، ایرانی است. افرادی که خارج از ایران به دنیا می‌آیند، در اکثر اوقات تابعیت کشور محل تولدشان را هم کسب می‌کنند. این افراد به‌صورت ذاتی ایرانی هم به شمار می‌روند. بله، این لایحه درباره دوتابعیتی‌شدن فرزندان مادر ایرانی خبلی نگران است. اما درباره دوتابعیتی‌شدن فرزندان پدر ایرانی نگران نیست. با بند ۶ ماده ۹۷۴ قانون مدنی درباره زنان خارجی در ازدواج با مردان ایرانی نیز این لایحه باعث ایجاد جمعیت دوتابعیتی می‌شود. در آبان‌ماه سال ۱۴۰۱ محمدباقر قالیباف قانون «نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» را برای اجرا به سیدابراهیم رئیسی ابلاغ کرد. این قانون سخت‌گیری‌های متعددی را درباره انتصاب افراد در مشاغل گوناگون به وجود آورده بود. از جمله این بند که انتصاب اشخاصی که خود، فرزند یا همسرشان تابعیت مضاعف دارند، در مشاغل حساس ممنوع است. دایره شمول متشاغل حساس نیز گویا گستره وسیعی داشت: آن‌قدر وسیع که هنوز دو سال از لازم‌الاجرا شدن آن قانون نگذشته، دولت لایحه‌ای برای اصلاح آن (البته در قالب قانونی دیگری) به مجلس فرستاده است. در لایحه «اصلاح برخی از احکام قانونی مربوط به تابعیت» در راستای اصلاح قانون سال ۱۴۰۱ این بند اضافه شده است که «جذب، تبدیل وضعیت و ارتقای مرتبه آن دسته از نخبگان متقاضی عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی که تابعیت کشور دیگری را نیز دارند، به‌شرط احراز نبود مشکل امنیتی از طرف وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به تأیید کارگروهی متشکل از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی بلامانع است». در جهان امروز دوتابعیتی‌بودن واقعیت جاری بسیاری از جمعیت‌ها است. این امر حتی در قوانین تابعیت برخی کشورهای همسایه مثل عراق نیز پذیرفته شده است. به نظر می‌رسد نمایندگان مجلس شورای ملی در سال ۱۳۱۳ نیز دید روشن‌تری درباره وقایع جهان داشتند و براساس رؤیاهای‌شان قانون نمی‌نوشتند. لایحه جدید دولت، دایره ایرانی‌بودن را بسیار تنگتر کرده است و با مستعدکردن ایجاد جمعیت‌های بی‌تابعیت در خاک کشور زمینه مشکلات امنیتی، اجتماعی، حقوقی و حقوق بشری را برای ما فراهم می‌کند.

انتخابات و مسابقه ترس

یعنی حتی مهاجران هم مخالف مهاجران بودند و این هیچ نبود. جز قدرت بسیج‌کنندگی ترس. در همین روزها که انتخابات کشورمان در جریان بود. انتخابات دیگری هم در کشور فرانسه انجام می‌شد؛ انتخابات پارلمان فرانسه. انتخابات در این کشور سازوکار ویژه‌ای دارد و در دو مرحله برگزار می‌شود. پس از انتخابات پارلمان اروپا که نتیجه‌اش پیروزی راست افراطی این کشور در آن انتخابات بود، «مکرون» را به‌عنوان رئیس جمهور، به این نتیجه رساند تا اعلام انتخابات پیش از موعد کند. در مرحله اول انتخابات، راست افراطی به رهبری «لوپس» پیروزی درخورتوجسه‌ی به دست آورد و پا به مرحله دوم نهاد. اما این اتفاق سبب موجی از ترس در جامعه فرانسه و راه‌افتادن «مسابقه ترس» شد. تا اینجا فکر کنم معلوم شده باشد که وقتی مسابقه ترس راه بیفتد، برنده آن کسی است که بیشتر بترسد و در فرانسه هم همین‌گونه شد و در عین تعجب همگان، جریان چپ این کشور که مدت‌هاست به حاشیه رفته، دوباره سر برآورد و راست افراطی که خود را برنده بی‌چون‌وچرای این انتخابات می‌دید، فعلا از سلطه بر پارلمان و به‌دست‌گرفتن قدرت بازماند. در انتخابات ریاست‌جمهوری کشور خودمان هم کم‌ویش همین اتفاق افتاد. در ابتدا یکی از طرف‌ها که با چهار کاندیدا (دو کاندیدای اصلی و دو کاندیدای پوششی) در انتخابات حاضر شده بود، مسابقه ترس را آغاز کرد. آنها با این عنوان که رقیب تک‌نفره‌شان در صورت پیروزی دولت سوم حسن روحانی را راه خواهد انداخت، سعی کردند از جریان‌سازی و بسیج‌گری ترس

۵۷۳ نفر

انبیه‌از صفحه اول

نگاه

سرطان سارکوم استخوان در کودکان شایع‌تر است

با علائم و روش‌های درمان سرطان سارکوم استخوان آشنا شویم

معاون مدیرعامل محک در درمان گفت: سارکوم‌های استخوان در کودکان شایع‌تر هستند. درحالی‌که سارکوم‌های بافت نرم در بزرگسالان شیوع بیشتری دارد. هم‌زمان با آغاز ماه جولای، اطلاع‌رسانی درباره سرطان سارکوم آغاز شده است. آگاهی‌بخشی درباره این سرطان می‌تواند به افراد در تشخیص زودهنگام و ارتقای برنامه‌های درمانی کمک کند. دکتر علیزنا دانشگری، معاون مدیرعامل محک در درمان، به همین مناسبت درباره سرطان سارکوم توضیحاتی ارائه کرد و گفت: سارکوم سرطانی است که در استخوان‌ها و بافت‌های نرم ازجمله چربی، ماهیچه‌ها، رگ‌های خونی، اعصاب، بافت‌های عمقی پوست و بافت‌های فیبری ایجاد می‌شود.

وی سرطان سارکوم را به دو نوع سرطان استخوان و سرطان بافت نرم تقسیم‌بندی کرد و افزود: سارکوم‌ها بسته به جایی که در بدن ایجاد می‌شوند، به‌عنوان سارکوم بافت نرم یا استخوان دسته‌بندی می‌شوند. سارکوم‌های استخوان در کودکان شایع‌تر هستند، درحالی‌که سارکوم‌های بافت نرم در بزرگسالان شیوع بیشتری دارند.

دانشگری درباره سارکوم‌های بافت نرم چنین توضیح داد: سارکوم‌های بافت نرم از بافت‌های نرم بدن منشأ می‌گیرند و بیشتر در بازوها، پاها، قفسه سینه یا شکم یافت می‌شوند. تومورهای بافت نرم می‌توانند در کودکان و بزرگسالان ایجاد شوند.

وی با اشاره به سارکوم‌های استخوانی بیان کرد: سارکوم‌های استخوانی تومورهای اولیه استخوان هستند؛ به این معنی که در استخوان‌ها ایجاد شده و بیشتر در کودکان تشخیص داده می‌شوند. علاوه‌بر استوسارکوم، شایع‌ترین شکل سرطان اولیه استخوان، چندین نوع دیگر از تومورهای استخوانی نیز وجود دارند.

به‌گفته معاون مدیرعامل محک در درمان، علائم اولیه سارکوم بافت نرم می‌تواند شامل یک توده یا تورم بدون درد باشد. برخی از سارکوم‌ها ممکن است تا زمانی که رشد نکنند و روی اعصاب، اندام‌ها یا ماهیچه‌های مجاور فشار نیاورند، هیچ علامتی ایجاد نکنند، اما رشد سارکوم‌ها باعث درد یا مشکلات تنفسی می‌شود.

دانشگری درباره شایع‌ترین علائم‌های سارکوم استخوان عنوان کرد: درد موضعی استخوان، محدوده حرکتی محدود در مفصل، لنگیدن کودک، تب یا منشا ناشناخته، استخوانی‌که بدون هیچ دلیل مشخصی می‌شکند و احساس تورم گرما در محل توده می‌تواند نشانه‌های این نوع سرطان باشد. البته همیشه برای تشخیص صحیح باید با پزشک خود مشورت کنید.

این آنکولوژیست کودکان به درمان سرطان سارکوم اشاره کرد و گفت: سارکوم با ترکیبی از شیمی‌درمانی، جراحی‌درمانی و جراحی درمان می‌شود. هم‌زمان با برداشتن تومور انجام می‌شود.

وی یادآور شد: البته برنامه درمانی و بهبودی بیمار به عوامل مختلفی از جمله نوع سارکوم، محل، درجه و اندازه تومور، سن بیمار و اینکه آیا سرطان جدید است یا عودکننده بستگی دارد.

به‌گفته دانشگری، برخی عوامل مانند قرارگرفتن در معرض مواد شیمیایی، تورم طولانی‌مدت در بازوها یا پاها، برخی اختلالات ارثی و جهش‌های کروموزومی ممکن است خطر ابتلا به سارکوم را افزایش دهند. دانشگری تأکید کرد: ماه‌اطلاع‌رسانی درباره سرطان سارکوم فرصتی است تا افراد با آگاهی از علائم‌های اولیه سرطان سارکوم، به تشخیص زودهنگام و ارتقای برنامه درمانی برای جلوگیری از گسترش این بیماری کمک کنند.